

چرا میوه‌های شب یلدا بر دانه و سرخند؟

ایرانیان باستان با اشراف بر علم نجوم، نیک می‌دانستند که شب یلدا در نیم کره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و از همین روی از آن شب به بعد طول روز بیشتر و طول شب کوتاه‌تر می‌شود...



ایرانیان باستان با اشراف بر علم نجوم، نیک می‌دانستند که شب یلدا در نیم کره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و از همین روی از آن شب به بعد طول روز بیشتر و طول شب کوتاه‌تر می‌شود...

به گزارش شبکه خبر، در بسیاری از آیین‌ها و رسوم کهن ایرانی رمز و رازها، پندها و کلیدهایی نهفته است که در صورت شناخت و درک آنها، مآنه‌ها، تحولات تاریخی، مثبت‌ناکارانه‌ها، اداها، ادانها، آینده به بادگاه، نگذا، نه.

و شایسته و بایسته است، خانواده‌های ایرانی در هنگام برگزاری این آیین‌ها، پیرامون تاریخچه و فلسفه وجودی آن نیز با هم به گفتگو بنشینند.

شب یلدا یا شب چله؛ یکی از یادگارهای بر جای مانده نیاکانی است که ایرانیان با خاطره‌ها و هیجانهای آن، کودکی را سپری کرده و به استقبال پیری می‌روند.

شب شبها

شب یلدا یا شب چله، واپسین شب آذرماه، شب پیش از نخستین روز زمستان و درازترین شب سال است.

ایرانیان باستان با علاقه‌ای که به علم ستاره‌شناسی داشتند نیک می‌دانستند که این شب در نیم کره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و به همین دلیل از آن شب به بعد روزها طولانی‌تر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شود. نیاکان باستانی ما با این باور که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر و تابش نور ایزدی فزونی می‌یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا خورشید می‌خواندند و برای آن جشن بزرگی بر پا می‌کردند.

آنها شادی و نشاط را از موهبت‌های ایزدی و غم و اندوه و تیره دلی را از بارزهای اهریمنی می‌پنداشتند.

مراسم نوروز، جشن مهرگان، جشن سده، چهارشنبه سوری و شب یلدا و سنت‌های دیگر در واقع بیانگر این حقیقت است که ایرانیان به یمن پیروزی نیکی بر بدی و روشنایی بر تاریکی جشن بر پا می‌کردند.

شب یلدا نیز یکی از نمادهای پیروزی نور بر تاریکی است. در دوران کهن، شب نماد تاریکی و تباهی و وحشت بوده و اغلب سعی می‌کردند که شب هنگام با افروختن آتش و افزودن نور، خانه روشن باشد تا پلیدی و تباهی در آن راه نیابد. (شاید اصطلاح خانه ات روشن نیز از آن زمان برای ما به یادگار مانده است)

شب یلدا شب شبها است. یعنی تسلط تاریکی بر زمین از تسلط نور خورشید و روشنایی می‌کاهد. و چون فردای این شب روشنایی بر ظلمت غالب و روز طولانی می‌شود، ایرانیان تولد دوباره خورشید را که مظهر روشنایی است جشن می‌گیرند.

پیشینه یلدا

ابوریحان بیرونی از یلدا به عنوان جشن نود روز یاد کرده است. جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک آیین باستانی است

پاسداشت شب چله میراث قوم کاسپیان است. کاسپ‌ها از نخستین اقوام آریایی هستند که وارد ایران شدند. آن‌ها مردمانی با چشم‌های کبودرنگ و موهای بور بودند که ابتدا در گیلان امروزی سکنی گزیدند و پس از چندی به نقاط دیگر ایران مهاجرت کردند.

میزد

ایرانیان شب یلدا را جشن می‌گرفتند و شادمانه پایکوبی می‌کردند. آنگاه خوانی الوان می‌گسترده و «#171;میزد» نثار می‌کردند.

«#171;میزد» نذری یا ولیمه‌ای بود غیر نوشیدنی، مانند گوشت و نان و شیرینی و حلوا، و در آیین‌های ایران باستان برای هر مراسم جشن و سرور آیینی، خوانی می‌گسترده.

انتظار پیروزی نور بر دامنه‌های البرز پیر

ایرانیان گاه شب یلدا را تا دمیدن پرتو پگاه در دامنه کوه‌های البرز به انتظار باز زاییده‌شدن خورشید می‌نشستند. برخی در نیایشگاه‌ها به نیایش مشغول می‌شدند تا پیروزی مهر و شکست اهریمن را از خداوند طلب کنند و شباهنگام دعایی به نام «#171;نی‌ید» را می‌خواندند که دعای شکرانه نعمت بوده‌است.

روز پس از شب یلدا (یکم دی ماه) را خورروز (روز خورشید) و دی‌گان؛ می‌خواندند و به استراحت می‌پرداختند و تعطیل عمومی بود (خرمدینان، این روز را خرم روز یا خره روز می‌نامیدند).

چیستی واژه یلدا

واژه «#171;یلدا» واژه ایست برگرفته از زبان سریانی (که از لهجه‌های متداول زبان «#171;آرامی» است) به معنای تولد. زبان «#171;آرامی» یکی از زبان‌های رایج در منطقه خاورمیانه و زبان اصلی نگارش کتب عهد جدید مسیحیان بوده است.

(برخی بر این عقیده‌اند که این واژه در زمان ساسانیان که خطوط الفبا از راست به چپ نوشته می‌شده، وارد زبان پارسی شده است).

یلدای باستانی و رسوم گوناگون ایرانیان

در گذشته‌های دور و در آیین کهن پارسی، بنابر يك سنت دیرینه، شاهان ایرانی در روز اول دی‌ماه تاج و تخت شاهی را بر زمین می‌گذاشتند و با جامه‌ای سپید به صحرا می‌رفتند و بر فرش سپید می‌نشستند. دربان‌ها و نگهبانان کاخ شاهی و همه برده‌ها و خدمت‌کاران در سطح شهر آزاد شده و به‌سان دیگران زندگی می‌کردند.

مثل گویی، شعرخوانی و داستان خوانی از آیینهای شب چله هستند است، خانواده‌ها در این شب گردهم می‌آمدند و پیرترها برای خانواده، داستانهای کهن را بازگویی می‌کردند.

آیین شب یلدا یا شب چله با خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار و شیرینی و میوه‌های گوناگون همراه است که همه جنبه نمادی دارند و نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی هستند.

این میوه‌ها که بیشتر کثیر الدانه هستند نوعی جادوی سرایتی محسوب می‌شوند که انسان‌ها با توسل به برکت خیزی و پر دانه بودن آنها، خودشان را نیز مانند آنها برکت خیز می‌کنند و نیروی باروی را در خویش افزایش می‌دهند و همچنین انار و هندوانه با رنگ سرخشان نمایندگانی از خورشیدند در تاریکی شب.

فال یلدا

در این شب فال گرفتن از کتاب حافظ مرسوم است. حاضران با انتخاب و شکستن گردو از روی پوکی و یا پری آن به عنوان سرگرمی آینده‌گه، م‌کنند.

شب چله در شهرهای مختلف ایران زمین

&8226#؛ در آذربایجان و شهرهای شمالی ایران: رسم بر این است که در این شب خوانچه‌ای تزیین شده را به خانه تازه‌عروس یا تازه داماد بفرستند.

مردم آذربایجان در سینی خود هندوانه‌ها را تزئین می‌کنند و شال‌های قرمزی را اطرافش می‌گذارند درحالی که مردم شمال يك ماهی بزرگ را تزئین می‌کنند و به خانه عروس می‌برند.

&8226#؛ در شیراز: سفره ردم شیراز مثل سفره نوروز رنگین است. مرکبات و هندوانه برای سرد مزاج‌ها و خرما و رنگینک برای گرم مزاج‌ها موجود است. حافظ‌خوانی جزو جدانشدنی مراسم این شب برای شیرازی‌هاست. البته خواندن حافظ در این شب نه تنها در شباز، ماسه است، بلکه رسم کلی، حله‌نشنان، شده است.

&8226#؛ در همدان: همدانی‌ها فالی می‌گیرند با نام فال سوزن. همه دور تا دور اتاق می‌نشینند و پیرزنی به طور پیاپی شعر می‌خواند. دختر بچه‌ای پس از اتمام هر شعر بر يك پارچه نبریده و آب ندیده سوزن می‌زند و مهمان‌ها بنا به ترتیبی که نشسته‌اند شعرهای پیرزن را فال خود می‌دانند. همچنین در مناطق دیگر همدان تنقلاتی که مناسب با آب و هوای آن منطقه است در این شب خورده می‌شود. د

&8226#؛ در تویسرکان و ملایر، گردو و کشمش و میز نیز خورده می‌شود که از معمولترین خوراکی‌های موجود در این استان هاست.

در خراسان: در شهرهای خراسان خواندن شاهنامه فردوسی در این شب مرسوم است.

&8226#؛ در اردبیل رسم است که مردم، چله بزرگ را قسم می‌دهند که زیاد سخت نگیرد و معمولاً گندم برشته (قورقا) و هندوانه و سبزه و مغز گردو و نخودچی و کشمش می‌خورند.

&8226#؛ در گیلان هندوانه را حتما فراهم می‌کنند و معتقدند که هر کس در شب چله هندوانه بخورد در تابستان احساس تشنگی نمی‌کند و در زمستان سرما را حس نخواهد کرد. «؛آوکونوس» یکی دیگر از میوه‌هایی است که در این منطقه در شب یلدا رواج دارد و به روش خاصی تهیه می‌شود.

در فصل پاییز، ازگیل خام را در خمره می‌ریزند، خمره را پر از آب می‌کنند و کمی نمک هم به آن می‌افزایند و در خم را می‌بندند و در گوشه‌ای خارج از هوای گرم اطاق می‌گذارند.

ازگیل سفت و خام، پس از مدتی پخته و آبدار و خوشمزه می‌شود. آوکونوس ازگیل در اغلب خانه‌های گیلان تا بهار آینده یافت می‌شود و هر وقت هوس کنند ازگیل تر و تازه و پخته و رسیده و خوشمزه را از خم بیرون می‌آورند و آن را با گلپر و نمک در سینه کش آفتاب می‌آهند.

یلدا و مسیحیان ایرانی

&8226#؛ مسیحیان ایرانی نیز مانند دیگر هموطنان خود در شب یلدا آجیل مشکل گشا می‌خورند و تا پاسی از شب بیدار می‌مانند و شب نشینی و شادکامی می‌کنند و در برخی مانند آشوریان فال از دیوان حافظ نیز رواج دارد.